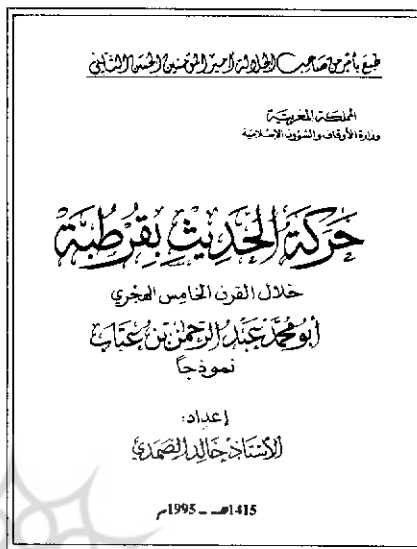




پژوهش های حدیثی در قرطبه در قرن پنجم هجری

مهدی هوشمند



حرکتة الحدیث بقرطبة خلال القرن الخامس الهجری، ابو محمد عبدالرحمان بن عتاب نموذجاً، خالد الصمدی، مغرب، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م، ۴۴۷ص، اول، وزیری.

این کتاب، پایان نامه دکتری استاد خالد صمدی* است که به یکی از شاخه های علوم اسلامی، یعنی حدیث، آن هم در قرن پنجم و در شهر قرطبه اختصاص دارد و بخصوص، محدث بزرگ، ابو محمد عبدالرحمان بن عتاب را محور قرار داده است.

این تحقیق دانشگاهی، در یک * مدرس علوم قرآن و حدیث در دارالحدیث حسنی و دانشکده ادبیات و علوم انسانی رباط.

سرزمین اندلس با شهرهایی چون قرطبه، غرناطه و اشبیلیه، شاهد جنبش های بزرگ علمی در حوزه تمدن اسلامی بوده است. پایگاه تمدن اسلامی - عربی در مغرب زمین، سرزمین اندلس بود و مطالعه آثاری چون: حرکة الحدیث بقرطبة خلال القرن الخامس الهجری، که به معرفی عالمان و فرزندان آن سرزمین پرداخته است، از این حقیقت، تا اندازه ای پرده برمی دارد.



مطالب رسالهٔ ابن عتّاب و آرای او و سپس، آوردن فهرست موضوعی، مصادر و نقشه‌های پیوستی، به پایان برده است.

وی در سبب انتخاب این موضوع برای پژوهش، در مقدمهٔ کتاب خود می‌گوید:

از آن جا که من به حدیث رسول خدا بیش از سایر علوم نقلی عشق می‌ورزم، و نیز از آن رو که مکتب حدیثی مغرب اسلامی، در این مسیر، گام‌های بلندی برداشته بود، و نظر به این که شایسته است گروهی از پژوهشگران، بار چنین پژوهش‌هایی را بر دوش کشند، من برای تحقیق خود، دورهٔ تازه‌ای را برگزیدم که در تاریخ، به این گونه گسترده، مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.

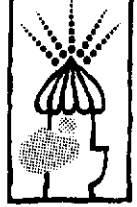
تحقیقاتی که دربارهٔ شخصیت‌های خاصی هستند گرچه از جهتی مفیدند، اما از جهت دیگر، مادام که به موضوع پیشرفت علم حدیث از حیث روایت، تالیف، سفرها و مجالس علمی مربوط می‌شود،

مقدمه، دو باب و یک خاتمه فراهم آمده است.

خالد صمدی، در مقدمه، به لزوم اهتمام پژوهندگان در همهٔ عرصه‌های علمی به تاریخ علوم، و نیاز تاریخ علم (در غالب رشته‌ها) به تحقیق و کاوش بیشتر، پرداخته است.

او در باب نخست، از نهضت حدیثی قرطبه در خلال قرن پنجم سخن گفته و محور بحث خود را ظرف تاریخی و اجتماعی این نهضت، یعنی قرن پنجم، و بیان ویژگی‌های بنیادین آن قرار داده است.

نویسنده، فصل یکم از باب دوم را به گفتاری دربارهٔ شخصیت شیخ ابو محمد ابن عتّاب، به عنوان نمونه‌ای از محدثان قرطبه و نهضت حدیثی آن در خلال قرن پنجم، اختصاص داده و در فصل دوم، آثار او را فهرست کرده است. نیز در همین فصل، از اهمیت فهرست‌نویسی و ارزش علمی آن، سخن گفته و از آرای ابن عتّاب در علوم قرآن و حدیث، فقه و سایر علوم اسلامی یاد کرده است و پژوهش خود را با بیان خلاصه‌ای از



نیازمند تحقیق بیشترند. من این دوره را از نظر زمان و مکان و نمونه‌ای عملی، محدود کردم. از نظر زمان، به قرن پنجم هجری، و از نظر مکان، به قرطبه، پایتخت علمی اندلس، و از نظر نمونه، به شیخ ابو محمد عبدالرحمان بن عتّاب بن محسن - که رحمت خدا بر او باد...^۱

چرا قرن پنجم؟

روشن است که با ورود گروهی از صحابیان و تابعیان در دوران فتوحات اسلامی به سرزمین اندلس، غرب اسلامی با احادیث رسول خدا آشنا شده بود. مَقْرَی در این باره می‌گوید:

از جمله صحابیانی که در میان فاتحان بودند، منیذر اسلمی یمانی بود.^۲

ابن عبدالبر، در الاستیعاب، و ابن اثیر در أُسْدُ الغَابة نیز همین مطلب را یادآور شده‌اند.^۳ ابن اثیر، روایت او از رسول خدا را نیز ذکر کرده است.

مَقْرَی در ادامه سخن خود، گروهی از

تابعیان را نیز نام می‌برد، مانند: موسی بن نصیر فاتح، حسین بن عبدالله بن حنش صنعانی - که به گفته او همان کسی است که جهت قبله و محراب مسجد قرطبه را رسم کرد-، ابو عبدالله بن رباح لخمی، ابو عبدالله بن عبدالرحمان بن یزید معافری و حیاة بن رجاء تمیمی را ذکر کرده است.

ناصری نیز در الاستقصاء، بابی را به این موضوع اختصاص داده و عنوان آن باب را «صحابیانی که به مغرب در آمدند» گذارده است. سپس اسامی آنان را براساس حروف الفبا، مرتب کرده و گروهی از آنها را نام برده است.^۴

از طریق این صحابیان و تابعیان، مغرب اسلامی با احادیث نبوی آشنا شد و پس از آن که مردم گروه گروه به اسلام گرویدند، آن احادیث در مناطق غرب اسلامی منتشر شد.

۱. حركة الحديث بقرطبة خلال القرن الخامس الهجري، ص ۱۲.
۲. نفع الطيب، المَقْرَی، ج ۳، ص ۵.
۳. الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۵۸۵؛ أُسْدُ الغَابة، ج ۴، ص ۵۰۹۴.
۴. الاستقصاء، ج ۱، ص ۸۵.



راه، به اندازه‌ای کوشیدند که بویژه بقی
بن مخلد، با دردِ سرهای بی‌شماری از
جانب اهل تقلید، مواجه شدند. ابن
مخلد، سرانجام به فکر افتاد که ضمن
ارج نهادن به تصنیف ابن ابی شیبه،
«مستند» خود را به رشتهٔ تحریر درآورد، و
در این کار سترگ، ابتکاراتی به خرج داد
و به پیشرفت‌هایی نایل آمد و حوزهٔ نوپای
حدیث را در اندلسِ قرن سوم، در مسیر
ترقی قرار داد.

بی‌شک، این دو عالم، در تمهید
مقدمات ظهور گروهی از محدثان که در

۵. حدیث پژوهی، حلقهٔ درسی‌ای را در ضمن
حلقات درس مدارس مغرب اسلامی
تشکیل می‌داد. نخستین کسی که دربارهٔ این
حلقهٔ درسی، پژوهشی انجام داد، استاد
مصطفی غانم بود. او این پژوهش را برای
اخذ مدرک پژوهش‌های عالی (دکتری) از
دانشکدهٔ ادبیات رباط به سامان آورد و در
آن، به تاریخ حدیث پژوهی تا پایان قرن سوم
پرداخته است. او در دانشکدهٔ وجده (از
شهرهای مغرب)، پژوهشی را تحت نظارت
داشت که موضوع آن، تاریخ حدیث پژوهی
در قرن چهارم هجری بود.

۶. برای تحقیق بیشتر، ر.ک: الصلوة، ابن
بشکوال، ج ۱، ص ۱۸۶ و ج ۲، ص ۶۷۹.

از این دوران که می‌گذریم، پس از
جدا شدن اندلس از مشرق، این کشور را
از نظر سیاسی، چنان با ثبات می‌یابیم که
در قرن دوم هجری، برخی از محدثان
بزرگ شرق، مانند: داوود بن جعفر
صغیر، حبیب بن ولید (معروف به
دحون)، صعصعة بن سلام و معاویه بن
صالح، به این سرزمین مهاجرت کردند.
با این همه، در این برهه، مردم اندلس که
فقه مالکی آنان را به خود مشغول داشته
بود، به علوم حدیث، چه از نظر تصنیف،
چه از نظر جرح و تعدیل، و چه در سایر
شاخه‌ها، چندان اهتمام نمی‌ورزیدند،
جز آن که نخستین بذره‌های تأسیس مکتب
حدیثی اندلس، در همین دوره افشاند
شد. ^۵ این بذرها با کوشش عالمانی که به
اهمیت این علم پی برده بودند و برای
پیشبرد آن، بسیج شده بودند، آبیاری
شد، که در راس آنان، بقی بن مخلد و
محمد بن وضاح^۶ قرار دارند.

این دو برای پژوهش در علوم
حدیث، به شهرهای مختلف شرق سفر
کردند و با بازگشت به اندلس، این مکتب
(مدرسة الحدیث) را بنیان نهادند و در این



قرن چهارم هجری سربرآوردند، سهیم اند، محدثانی چون: قاسم بن اصبح نباتی (م ۳۴۰ق)، ابوالقاسم خالد بن سعید قُرطبی (م ۳۵۲ق) و احمد بن سعید بن حزم (م ۳۵۰ق).

این افراد و کسان دیگری جز اینان، از عالمان نیمه نخست قرن چهارم هجری اند. در نیمه دوم همین قرن، عالمانی ظهور کردند که دستاوردهای علمی آنان، تا آغاز قرن پنجم استمرار یافت. از این جمله اند: ابن فطیس (م ۴۰۲ق)، ابن قَرَضی (م ۴۰۳ق)، یونس بن عبدالله بن مغيث (م ۴۲۹ق) و ابو عمر ظلمنکی (م ۴۲۹ق).

چنین بود که مکتب حدیث در غرب اسلامی، در سایه ثبات سیاسی عصر اُمویان اندلس و حمایت های آنان، راه رشد و شکوفایی را در پیش گرفت. خصوصیتی که در این دوره مشهود است، این است که غرب اسلامی، در سرتاسر این دوره، متأثر از دستاوردهای شرق بود و تألیف کتاب نیز بر همان منوال شرقیان پیش می رفت؛ گرچه کار تألیف، جز در مورد کتاب هایی که توسط

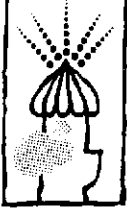
محدثان یاد شده تألیف شدند، از پیشرفت چندانی برخوردار نبود.

خالد صمدی، مؤلف کتاب می گوید:

در قرن پنجم، اوضاع دگرگون گشت و تغییرات سیاسی ویرانگر و تحولات اجتماعی پُر مخاطره ای پدید آمد که پرسش های بسیاری را برای ما مطرح می سازد: در کوران این حوادث، فرجام حوزه حدیث اندلس و نیز سرنوشت محدثان و نقش آنها در این تحولات، چه بود؟ آگاه شدن من از دو مسئله اساسی، بر اهمیت این پرسش ها در ذهن من می افزود.

نخست این که بسیاری از مورخان گفته اند که مُرابطیان اندلس [در خلال این دگرگونی ها] دوباره به فقه روی آوردند. آیا معنای این سخن، این است که مکتب حدیث، به پای فقه، قربانی شد؟

دوم این که برخی پژوهش ها که موضوع آنها تاریخ نهضت حدیثی در مغرب اسلامی در دوره مؤحدان



منعکس کننده فعالیت های مراکز فرعی این نهضت نیز خواهد بود؛ مراکزی که بدون آگاهی از چند و چون کانون آنها یعنی قرطبه، شناختشان میسر نیست؛ چنان که در خلال بحث از مهاجرت محدثان در عصر بروز فتنه، آشکار خواهد شد.

چرا ابن عتّاب؟

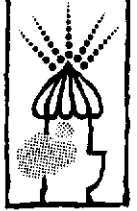
امّادِ خصوصِ علّتِ پرداختن به شخصیتی چون ابن عتّاب، باید گفت: از آن جا که او بیشتر سال های قرن پنجم (حدود هفتاد سال) را در قرطبه می زیست. از سوی دیگر، شخصیتی است که از قرار معلوم، تا کنون درباره او هیچ پژوهشی انجام نگرفته است. علاوه بر اینها شکی نیست که آنچه از وی روایت شده، بازگو کننده آثاری است که در شرق و اندلس، به رشته تحریر درآمده اند و در خلال این دوره، در قرطبه رواج داشته اند. حوزه های درس او آشکار کننده این نکته است که او چه میزان از وقایع سیاسی و اجتماعی، متأثر بوده است و تألیفاتش، ویژگی های روند تألیف در این دوران را روشن می سازند. نیز

است، بیان کننده این مطلب است که در عصر موحدان، رجعتی به معارف نقلی مشاهده می شود و به اندازه ای به نقلیات توجه می شد که بار دیگر، گسستی در تاریخ علوم حدیث پدید آمد و پُر شدن آن، نیازمند تلاش عالمانی دیگر بود.

چرا قرطبه؟

چند دلیل برای برگزیدن سیر علوم حدیث در شهر قرطبه توسط نویسنده می توان برشمرد:

۱. نهال مکتب حدیث اندلس، به دست عالمان قرطبه نشانده شد و این نهال، در همین شهر، ریشه دواند و شاخه داد.
۲. در خلال قرن پنجم هجری در این سرزمین، تحولات سیاسی و اجتماعی ای که بدانها اشاره شد، به وقوع پیوست.
۳. قرطبه، مرکز علمی ای بود که در آن، مجالس علم رونق داشتند و عالمان بزرگی را در دامان خویش پرورده بود.
۴. پژوهشی که تبیین کننده نهضت نوپای حدیثی در اندلس باشد، بالضروره،



توجه او به حدیث در عهد مُرابطیان، نکته قابل تأملی است. به علاوه، تا کنون درباره دیگر شخصیت های برجسته این دوران، پژوهش هایی انجام گرفته است.

دورنمای مباحث

همان طور که گفته شد، مؤلف، با توجه به این انگیزه هایی کتاب خود را در دو باب، مشتمل بر هفت فصل تنظیم کرده است. در این جا به طور خلاصه به مباحث مطرح شده در کتاب، اشاره می کنیم.

باب اول

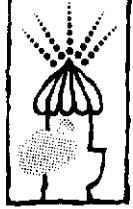
عنوان باب اول، «نهضت حدیثی قرطبه در قرن پنجم هجری» است و شامل پنج فصل است. فصل نخست این باب، گفتاری است درباره وقایع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوران، از لحاظ ارتباط مستقیم این وقایع با موضوع پژوهش.

تقریباً در اواسط قرن پنجم، اندلس و خصوصاً قرطبه، دو مرحله از تحولات سیاسی مختلف را پشت سر می گذاشت: تحولات مربوط به حکومت پادشاهانی

چون عبدالرحمان ناصر، مستنصر و منصور، و بعد از آن، حوادث دیگری چون تغییر حکومت ها، درگیری ها و آشوب های اجتماعی و ...

مؤلف، در ادامه این فصل و نیز در فصل دوم کتاب، به موضوع حوزه های درسی قرطبه و میزان تأثیرپذیری آنها از تحولات، سخن گفته است و به این سؤالات پاسخ می دهد که: با توجه به حمایت خلفای اموی اندلس از علوم حدیث، فرجام این نهضت حدیثی به کجا انجامید؟ مهم ترین ویژگی های آن، چه بود و به چه موضوعاتی بیشتر پرداخته می شد؟

به گفته نویسنده، در این هنگام - که دوران خلافت ناصر و مستنصر بود - قرطبه از جهت علمی، پایگاهی برای برپایی مجالس علمی و تعظیم و تکریم علما شده بود، به حدی که از نظر شهرت، با مراکز علمی بغداد و بصره، همدوشی می نمود؛ اما طولی نکشید که با حمله وحشیانه بربرها، این کانون گرم، از هم پاشید و دست روزگار، علما و اندیشمندان بسیاری را گرفت، به طوری که احمد بن بریل مقری در شوال سال ۴۰۰ و ابن حباب احمد بن محمد بن



البر بود که در سال ۳۹۹ هجری از قرطبه خارج شد و هرگز به آن جا بازنگشت تا در سال ۴۶۳ هجری در شاطبه وفات نمود.^۷ این فتنه و آشوب، نه تنها علما را از اندلس گرفت، بلکه تمامی طلاب و محصلانی را هم که برای آموختن علوم حدیث و تدریس به آن جا هجرت نموده بودند، شامل گردید. یکی از آنان، عبدالرحمان آزدی مصری بود که در سال ۳۹۴ هجری وارد اندلس شد. او حافظ حدیث بود که حدّاء از او روایت می‌کند. و به هنگام وقوع فتنه، قرطبه را ترک کرد و در مصر، اقامت گزید و در همان جا فوت نمود.

فصل دوم درباره مهاجرت به قرطبه برای تحصیل علم حدیث در خلال قرن پنجم هجری است. مؤلف، مهم ترین هدف این سفرها را چنین نقل می‌کند:

الف. کسب فیض از محدثان بزرگی که موقعیتی برجسته در قرطبه داشتند، یا حضور در مجلس درس علمایی که در معارف اسلامی همچون قرائات و غیر آن، صاحب نظر بودند، مانند: ابو علی غسانی، ابن عتاب، ابو علی صدفی و

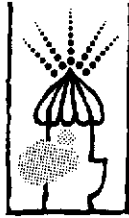
۷. ر.ک: الصلاة، ج ۱، ص ۱۹۲.

مسعود در سال ۴۰۳ هجری توسط بربرها کشته شد.

همچنین احمد بن قاسم بن عیسی لخمی که ساکن قرطبه بود، هنگام وقوع این آشوب ها به طلیطله گریخت و در رجب سال ۴۱۰ هجری فوت کرد. این فرآیند نیز در آغاز بروز فتنه و آشوب، به اشبیلیه مهاجرت کرد. حدّاء، دیگر عالم مشرق زمین، به شهر سرقسطه رفت و اواخر عمرش به قرطبه بازگشت و در سال ۴۶۸ هجری در اشبیلیه وفات نمود. تجیبی، مفتی قرطبه، هم در اوایل فتنه و آشوب بربرها در روز پنج شنبه، اواخر ذی قعدة سال ۴۰۱، در محل اختفایش فوت کرد.

خمیس بن خلف بن سلمه، یکی از علمای قرطبه بود که بربرها او را در سال ۴۰۳ هجری به قتل رساندند و در مقبره ابن عباس مدفون شد. ابن فرضی، راوی و حافظ حدیث و رجالی معروف قرطبه نیز بنا بر مشهور، در سال ۴۰۳ هجری به قتل رسید و ابن راشد که یکی از علمای قرطبه بود، هنگامی که قصد گریز از قرطبه داشت، توسط بربرها در بین راه، گردن زده شد.

و از همه این علما مهم تر، ابن عبید



ابن عبد البر.

ب. انتقال معارف مشرق زمین به مرکز علمی قرطبه. به عنوان مثال، در این زمینه زید بن حبیب در سال ۴۳۳ هجری وارد اندلس شد و از بزرگان مصر و شام و حجاز و یمن، روایات بسیاری نقل نمود و کتابی به نام الفوائد من عوالی الحدیث تألیف کرد.

ج. اهداف تجاری و بازرگانی. اندلس، یکی از سرزمین های حاصلخیز و پر محصول بود که از نظر اقتصادی، خصوصاً در زمان خلافت اسلامی، بهره ورتربین سرزمین ها به شمار می رفت. در سال ۴۱۴ هجری، یکی از تجار معروف به نام عبدالملک بن محمد بن نصر بن صفوان شالی حمصی، برای تجارت به اندلس سفر کرد. همچنین در سال ۴۲۳ هجری، محمد بن سلیمان بن محمد حرّانی ظاهری و محمد بن تمیم بن ابی العرب تمیمی قیروانی، متعاقباً جهت تجارت به این سرزمین مهاجرت نمودند؛ لکن هدف اینها فقط تجارت صرف نبود؛ بلکه هر کدام از آنان در موقعیت خاصی از درجات علمی و فضائل معنوی بودند

و در ضمن کار تجارت، به نقل حدیث و

بیان معارف می پرداختند.^۸

د. گرد همایی در ماه رمضان در مسجد جامع قرطبه. این عمل باشکوه، سال های متمادی به پیروی از اسلاف انجام می گرفت و در این کنگره عظیم، برخی از کتب تاریخی و حدیثی مورد بحث و نظر صاحب نظران و اساتید قرار می گرفت. به عنوان مثال، ابن بشکوال از استادش ابن عتّاب، نقل حدیث می نمود. همچنین بزرگان دیگر، از اساتید و مشایخ خود، نقل روایت و معارف می کردند.

نویسنده، سپس انگیزه های هجرت علما به قرطبه و یا از آن جا به سایر سرزمین ها را بررسی نموده و این مهاجرت ها را در سه دسته افقی (مهاجرت از اندلس و قرطبه به مشرق زمین و یا از مشرق به قرطبه)، هجرت داخلی (از قرطبه به اندلس و بالعکس) و هجرت عمودی (حرکت دانشمندان بین قرطبه و مراکز علمی مغرب دور) تقسیم کرده است.

در فصل سوم، مؤلف از حوزه ها و

۸. ر. ک: کتاب حاضر. همچنین: الصلاة،



زیرا با آگاهی از این تمایلات، کتاب‌های حدیثی رایج در آن دوران کسه به دست عالمان مشرق و اندلس به رشته تحریر در آمده‌اند، بهتر شناخته می‌شوند و این نکته، خود، بازگو کننده وضعیت حاکم بر علوم حدیث در آن عصر نیز هست. همچنین در این فصل، به معرفی کتاب‌های حدیثی ای پرداخته که در این دوران، توسط محدثان قرطبه تألیف شده‌اند. این مطلب، اهتمام عالمان اندلس را به علوم حدیث از نظر روایت و درایت، روشن تر می‌کند.

انگیزه این اهتمام را می‌توان در چند مطلب، خلاصه کرد:

الف. اشتیاق فراوان نسبت به تألیف کتب حدیثی. گرچه در زمان آشوب‌های داخلی و خارجی، افکار عمومی مردم و بزرگان اندلس، متشتت و مضطرب بود؛ لکن عشق به کتاب و کتاب‌خانه، در دل اندلسیان ریشه دوانده بود. به همین دلیل، هنگامی که فتنه‌ها فروکش کرد، دوباره آتش این عشق، شعله‌ور شد و بزرگان و علما سعی و همت خود را در جمع‌آوری کتاب‌های حدیثی به کار گرفتند و به تألیف کتاب‌های بیشتری پرداختند.

مکان‌های درسی و موقعیت سیاسی و اجتماعی این مراکز، بحث کرده است.

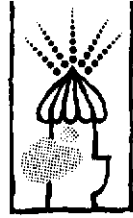
یکی از مراکز مهم برای تحصیل علوم حدیث در قرطبه، مساجد بودند که مسجد جامع، نقش کلیدی و اصلی را ایفا می‌نمود. البته از مساجد دیگر نیز در کتب تاریخ، نام برده شده است، مانند: مسجد متعه (که در آن، محافل حدیثی برگزار می‌شد)، مسجد شریح، مسجد فائق، مسجد مسرور، مسجد نخيله، مسجد جامع زاهره، مسجد بنی طوریل.

علاوه بر مساجد، مکان‌های دیگری از قبیل مغازه‌ها و منازل شخصی هم این مهم را برعهده داشتند.

وی سپس راه‌های یادگیری حدیث را از قول قاضی عیاض بیان می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. شنیدن، ۲. قرائت (خواندن)،
۳. اجازه نقل، ۴. نامه‌نگاری و مکاتبه،
۵. مناظره.

در فصل چهارم، نویسنده از تمایل طبیعی عموم مردم قرطبه به کتاب، و خصوصاً توجه آنها به حدیث و تألیفات حدیثی در این دوران، سخن گفته است؛



ب. نگهداری نسخه های اصلی کتاب ها. در قرطبه، نگهداری نسخ اصلی کتاب ها در نزد بزرگان علم و شاگردان آنان، از شانی والا برخوردار بود. به همین دلیل، اهل علم و حتی توانگران، در حفظ و استنساخ نسخه ها، کوشش فراوان می نمودند، تا میراثی ماندگار برای آیندگان شود.

صاحب جذوة المقتبس، در شرح حال عیسی بن ملجم زهرانی آزدی گوید: او بسیاری از نسخه های قدیمی را جمع آوری و در بین مردم، روایت نمود. به عنوان مثال، او از ابوعلی عَسَّانی، اصل سنن اَبی داوود را که از ابن عبد البر روایت شده بود و نسخه ای منحصر به فرد بود، خریداری و حفظ نمود.^۹

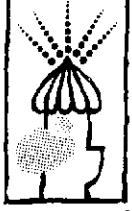
ج. اشتیاق فراوان به استنساخ از نسخ اصلی. علی رغم این که کتب تاریخی خبر از تحریف نسخ توسط بعضی از گروه ها در اندلس می دهند؛ ولی از طرف دیگر، شوق و علاقه وافر اهل قرطبه به ضبط شنیدنی ها، خصوصاً سخنان رسول خدا، بسیار بود. از این مردان بزرگ، می توان ابن طرابلسی را نام برد که مدت

مدیدی به این کار اشتغال داشت و منقولات ابن فراس را استنساخ می نمود.^{۱۰}

د. فراوانی کاغذ و رونق صنعت کاغذ سازی و حرفه صحافی. دکتر محمد عبدالوهاب، در این زمینه می گوید: از صنعت های مشهور در قرطبه، صنعت کاغذ بوده است و علت فراوانی کاغذ هم اهتمام علما به تدوین کتاب و انتشار نوشته های علمی و مذهبی و استنساخ آثار پیشینیان بود. در این فصل، کتب حدیثی مشهور اندلس در قرن پنجم نیز به این ترتیب، معرفی شده اند:

الف. مصنفات و مسانید

۱. الموطأ مالک بن انس، به روایت یحیی بن یحیی لیشی و یحیی بن بکیر و عبدالله بن مسلمة عینی.
 ۲. مسند حدیث الموطأ، از ابو عمر احمد بن خالد بن یزید.
 ۳. مسانید الموطأ، از ابوذر عبدالرحمان بن احمد هروی.
 ۴. مسند الموطأ، از ابوالقاسم عبدالرحمان بن عبدالله بن محمد غافقی جوهری.
-
۹. جذوة المقتبس، الحمیدی، ج ۲، ص ۵۰۱.
۱۰. الصلة، ج ۱، ص ۳۲۰.



ر. کتب رجال و تاریخ و تراجم و

کتب غریب الحدیث و شروح آنها.

فصل پنجم، مشتمل است بر معرفی

محدثان شهیر قرطبه در قرن پنجم.

اهمیت این کار در این است که گرایش به

علوم حدیث در این قرن، در قیاس با

قرن های پیش، و چگونگی مواجهه

عالمان با علوم حدیث، دانسته می شود.

باب دوم

در این باب، طی دو فصل، به نمونه

برجسته ای از محدثان قرطبه، یعنی شیخ

ابو محمد عبدالرحمان بن عتاب، پرداخته

شده است.

در فصل اول، اوضاع اجتماعی-سیاسی

عصر ابن عتاب و زمینه های رشد و تحصیل

و تربیت وی، و نیز استادان و شاگردان و

خاندان و سفرهای علمی وی، مورد اشاره

و بررسی قرار می گیرد.

فصل دوم نیز به فهرست کامل آثار و

مرویات ابن عتاب در زمینه های علوم

قرآن، علوم حدیث، انساب، سیر، سنن،

فقه، اصول فقه، تعبیر رؤیا، ادب و...

اختصاص دارد.

۵. ملخص مسند موطأ مالک، از

ابوالحسن علی بن محمد بن خلف قابسی

فقیه.

۶. المصنّف، محمد بن اسماعیل

بخاری، به روایت ابوذر هرزی و ابن

سکن و اصیلی و قابسی و نسفی.

۷. المصنّف، مسلم بن حجّاج، به

روایت جلودی و ابن ماهان.

۸. المصنّف ابو داوود، به روایت ابن

داسه و ابن اعرابی و رملی و لؤلؤی.

۹. المراسیل ابو داوود، به اضافه

السنن وی.

۱۰. الزهد ابو داوود.

و کتب روایی دیگر که برای اطلاعات

بیشتر درباره آنها می توان به کتاب حاضر

(ص ۱۶۲-۱۶۷) مراجعه کرد.

ب. مصنّفات در برگرفته سنن یا فقه

صحابیان و تابعیان.

مانند مصنّف وکیع بن جرّاح و

عبدالرزاق بن همام و ابن ابی شیبه.

ج. مسانید تالیف شده بر طبق اسم های

صحابیان.

د. مسانید تالیف شده طبق احادیث

اثمه اربعة اهل سنت.